

بررسی ساختار مثل و مثل واره در کشف المحجوب هجویری

مریم السادات اسعدی فیروزآبادی*

نگین محمدی**

چکیده

ابو الحسن علی بن عثمان هجویری، از بزرگ ترین عرفای ایرانی اوایل قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است که مهم ترین کتاب او کشف المحجوب، از جمله آثار تعلیمی به شمار می رود که متعلق به دوره ی نخستین نثر پارسی است. هجویری در جای جای کتاب خود، از ارسال مثل برای تفهیم و تأکید بیشتر مضمون و مفهوم به خواننده استفاده می کند. مثل، جمله ای کوتاه، رسا، استعاری، اندرزی و اخلاقی حاوی عصاره تجربیات مردم عصر گذشته است که در میان مردم رواج دارد و عامه ی مردم آن ها را بدون تغییر یا با کمی تغییر به کار می برند. در اغلب مثل ها، کلید واژه های اصلی، جنبه ی استعاری دارد و همین جنبه ی استعاری آن ها موجب می شود که قابل انطباق بر بسیاری از مصداق ها باشند. علمای بلاغت، در تعریف خود عمدتاً بر جنبه ی تشبیه در مثل تأکید می ورزند؛ در واقع در نظر آنان، تشبیه زیر بنای ساخت مثل است؛ تشبیهی که تنها مشبه به آن ذکر می شود و مشبه یا ممثول حذف می گردد. در این نوشتار، پس از ارائه ی تعریف مثل از نظر صاحب نظران، ویژگی های ارسال مثل از لحاظ ساختار، محتوا و درون مایه، مسائل زیبایی شناسی و کاربردهای گوناگون آن، بررسی و تحلیل می شود.

واژه های کلیدی: کشف المحجوب، ارسال مثل، زیبایی شناسی، فرم، محتوا

*عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

**نگین محمدی

مقدمه

ابو الحسن علی بن عثمان هجویری، از نویسندگان بزرگ و صاحب نام عصر غزنوی است و اثر گران سنگ او کشف المحجوب، یکی از منابع مهم عرفان و تصوف است که دارای ویژگی های زبانی و سبکی خاصی است که مجال تحقیق و تتبع در نثر آن بسیار گسترده است. (برای اطلاعات بیشتر، رک: صفا، ج ۲،

۱۳۶۷: ۸۹۲-۸۹۳)

هجویری در کتاب خود، برای بیان اندیشه های والای خود و دیگر متصوفه و ایجاد ارتباط مؤثر و بهتر با خواننده، نیز تفهیم مطالب اخلاقی، عرفانی و اجتماعی خود، از مثل ها چه فارسی و چه عربی بهره گرفته است.

مثل ها را می توان نقطه ی اتصال فرهنگ عوام و خواص دانست. در حوزه ی ادب رسمی، آن جا که شاعر یا نویسنده، خود را به زبان و فرهنگ مردم نزدیک می کند، زمانی است که از مثل های آنان به صورت ارسال مثل بهره می برد. امثال، نزدیک ترین گونه به ساحت ادب رسمی، یعنی شعر و نثر فصیح و بلیغ یه شمار می آیند؛ چرا که تمام خصایص اثر هنری را در خود دارند. شاعران و نویسندگان برای آن که به لطف و شیرینی کلام خود بیفزایند و آن را رساتر کنند، همواره از مثل ها بهره جستند؛ از سوی دیگر، بسیاری از امثال، حاصل رواج سروده ها و نوشته های شاعران و نویسندگان فارسی زبان است و این تبادل و تعامل در نهایت، زبان مردم را غنی و پرمایه ساخته و بر غنای ادب گران سنگ فارسی نیز افزوده است. (ذو الفقاری، ۱۳۸۹: ۵۲)

محمود عابدی در تعلیقات خود بر کشف المحجوب، بیش از ۷۰ مثل فارسی و عربی را از این کتاب استخراج کرده و با عنوان "مثل ها و مثل واره ها" (بدون تفکیک کردن آن ها از یکدیگر) در انتهای کتاب فهرست وار ذکر نموده است که ۲۰ عدد از آن ها به زبان عربی است. در این پژوهش نیز، همین مثل های استخراج شده، بررسی می گردد.

اگرچه صاحب نظران معاصر برای "مثل واره" تعریف ویژه ای را ذکر کرده اند که در جای خود می آید؛ اما به نظر می رسد عابدی، مثل واره را بیشتر بر جملات مثل گونه ی نو و غیر معروفی که غالباً بر ساخته ی هجویری است، اطلاق کرده است.

امثالی که در کشف المحجوب دیده می شود، می تواند از جهت "لحن بیان"، "رواج و تداول" و "ساختار دستوری" مورد بررسی قرار گیرد؛ همچنین آن ها را از لحاظ درون مایه و محتوا به انواع: اجتماعی، اخلاقی، آموزشی و... می توان تقسیم کرد. از حیث مسائل زیبایی شناسی و کاربرد صور گو ناگون تخیل، نیز آرایه های گوناگون ادبی نیز می توان امثال را مورد توجه قرار داد. در این مقاله، در بخش های گوناگون راجع به این مباحث به اجمال سخن می رود.

تعریف مثل

در تعریف مثل گفته اند: "جمله ای است کوتاه، گاه استعاری و آهنگین، مشتمل بر تشبیه با مضمون حکیمانه و بر گرفته از تجربیات مردم که به واسطه ی روانی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار برند." (ذو الفقاری، ۱۳۸۶: ۳۲)

واژه ی "مثل"، از زبان عربی به فارسی راه یافته است و آن چنان که گفته اند از ریشه ی "مثول" بر وزن "عقول" است به معنای شباهت داشتن چیزی به چیزی، بر پای بودن و راست ایستادن. این واژه در عربی معانی متعددی دارد: شبیه و مانند، دلیل و برهان، سخن و حدیث، نشانه و علامت، پند و عبرت. (عفی، ۱۳۷۱: پیش گفتار)

جلال الدین همایی، مثل ها را بزرگ ترین سرمایه ی ادب فارسی دانسته که همه ی حکمت ها و دانش های بشری را متضمن است و فشرده ی افکار هر قوم به شمار می رود. (همایی، ۱۳۷۴: ۱۴۳-۱۴۴)

ابراهیم نظام (متوفای ۲۰۰ ه. ق) بر این باور است که در امثال چهار امتیاز وجود دارد که در انواع دیگر کلام با هم یافت نمی گردد و آن ها عبارتند از: وضوح معنی، اختصار لفظ، لطافت کنایه و حسن تشبیه. (به نقل از بهمنیاری، ۱۳۸۱: ۱۸)

مثل واره

گفته اند مثل واره ها "استعاره های تمثیلیه یا کنایاتی هستند که به شکل فعل با مصدر مرکب می آیند. این عبارات مصدری وقتی در جمله قرار می گیرند هویت و شخصیت خود را باز می یابند و معلوم می شود روی سخنانش با کیست. در این عبارات می توان صورت مصدری را تغییر داد و آن ها را مثل فعل مرکب صرف کرد." (ابریشمی، ۱۳۷۶: دیباچه)

بررسی مثل ها و مثل واره ها

۱- ساختار دستوری

مثل های کشف المحجوب از نظر ساختار دستوری ، غالباً جمله ای هستند که این جمله ها برخی جمله ساده و برخی مرکب است.

نمونه ی جمله های ساده:

-به مردار کرکسان اولی تر باشند. (هجویری، ۱۳۸۷: ۲۱۰)

-اندک بر بسیار دلیل است. (همان: ۵۳۷)

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

-دوست از بلای دوست نگریزد. (همان: ۴۵۸)

نمونه ی جمله های مرکب: ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

-چون صبح منتشر شد، جمال چراغ ناچیز گشت. (همان: ۴۲۳)

-چون کسی با طریقت آشنا بود، ورا قبا چون عبا بود. (همان: ۶۵)

-هر کسی آن دارو طلبد که موافق درد وی باشد. (همان: ۱۱)

۲- لحن بیان

مثل ها را از جهت لحن بیان به سه دسته ی جدی و معمولی، طنز آمیز و لطیفه وار، و مستهجن و رکیک تقسیم کرده اند. لحن هر مثل، مستقیماً به عناصر ساخت مثل همچون واژگان، بلاغت و معنا مربوط می شود. در امثالی که لحن آن توأم با تحقیر، توهین و رکاکت است، معمولاً الفاظ تابو دیده می شود و امثالی که جنبه ی طنز دارند، واژگانی چون: خر، بز، کچل، تنبل و ... در آن ها به کار رفته است. لحن هر مثل، هر چقدر به ویژگی های زبان مردم نزدیک تر باشد، با اقبال و پذیرش بیشتری مواجه می

گردد. (ذو الفقاری، ۱۳۸۹: ۷۵)

تتبع در مثل های کشف المحجوب نشان می دهد که لحن امثال در این کتاب غالباً جدی و معمولی است و نه تنها کلمات رکیک و مستهجن در آن ها دیده نمی شود؛ بلکه از مثل های طنز آمیز و لطیفه وار نیز اثری نیست. این امر تا حدودی به شخصیت جدی هجویری مربوط می شود و تا اندازه ای به سبب موضوع و ماهیت کتاب است که نثر تعلیمی صوفیه را در بر دارد.

نمونه ی مثل ها با لحن جدی و معمولی:

- رسیده آسوده باشد. (هجویری، ۱۳۸۷: ۳۰۷)

- عبارت از محبت نه محبت بود. (همان: ۴۵۳)

- مال کریمان مبدول باشد و خوششان هدر. (همان: ۴۶۰)

- هر کسی را گریبان خود باید گرفت. (همان: ۵۲۴)

۳- رواج و تداول

مثل ها را از حیث میزان کاربرد و شهرتشان در بین عامه می توان به دو دسته ی رایج و پرکاربرد، و نو و غیر رایج تقسیم کرد. بیشتر امثال به کار رفته در کشف المحجوب از نوع رایج و متداول هستند که هجویری برای بیان و اثبات مطلبی به آن ها استشهاد می کند؛ اما برخی از آن ها زیاد بین مردم رواج ندارند و به نظر می رسد ساخته ی خود هجویری باشند.

الف-مثل های رایج

-مَنْ طَلَبَ وَجَدَ (هجویری، ۱۳۸۷: ۶۰۳)

-البادیُّ أَظْلَمُ (همان: ۳۱۳)

-باید که چندان بدانی که بدانی که ندانی (همان: ۲۸)

-السلامة فی الوحدة (همان: ۱۲۶)

-جنس به جنس اولی تر (همان: ۲۸۳)

-از روز روشن تر دلیل نباید (همان: ۴۲۳)

ب-مثل های غیر رایج

-اندر تحت این رمزی است. (همان: ۹۷)

-دل پراکنده از آفت برآکنده بود. (همان: ۳۰۸)

-محبت را با نفاق هیچ تعلق نیست. (همان: ۱۳۶)

نشستین همایش ملی پژوهش های ادبی

-مال کریمان مبدول باشد و خونشان هدر. (همان: ۴۶۰)

۱۳۹۱
-چون اول خُنبِ دردی بود آخرش چگونه باشد. (همان: ۲۴۴)

۴-درون مایه و محتوا

الف-مسائل اجتماعی: برخی از مثل ها، پاره ای مسایل اجتماعی را مطرح می سازند. نمونه های زیر از این

دست است.

-جنس به جنس اولی تر (همان: ۲۸۳)

-ضدان لا یجتمعان(همان:۲۰۱)

-چنان که نزدیک طاقت دوری ندارد، دور طاقت نزدیکی ندارد.(همان:۶)

-هر کسی آن دارو طلبد که موافق درد وی باشد.(همان:۱۱)

-الزَّهْلَةُ زَلَّةٌ. (همان:۵۱۴)

ب-مسائل اخلاقی:برخی از مثل های کشف المحجوب درباره ی اصول اخلاقی است.

-به مردار کرکسان اولی تر باشند.(همان:۲۱۰) در نهی از غیبت کردن

-محبت را با نفاق هیچ تعلق نیست.(همان:۱۳۶)

-دوست از بلای دوست نگریزد.(همان:۴۵۸)

ج-مسائل آموزشی:بعضی از مثل های کشف المحجوب جنبه ی آموزشی دارد

-راهبر باش نه راهبر (همان: ۱۸۳)

-باید که چندان بدانی که بدانی که ندانی(همان:۲۸)

نهمین همایش ملی پژوهش های ادبی

-عرفت قَالَزَمَ، به معنی: دانستی و شناختی پس ملازمت کن بر آن (همان:۴۸)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

د-مسائل دینی

-دین میان جبر و قدر است.(همان:۱۰۷)

-نهایت ولایت بدایت نبوت بود.(همان:۳۵۲)

-کوه به ناخن کنند بر آدمیزاد آسان تر از مخالفت نفس و هوی بود.(همان: ۳۱۴)

-فنی کل شیء له آیه تدلُّ علی انه واحد (همان:۴۱۱)

الف-معانی و بیان

تشبیه-در بسیاری از مثل ها، جنبه ی تشبیه نمایان است. "میدانی" در تعریف خود از مثل، بر این جنبه تأکید می کند. به گفته ی او: "مثل چیزی است که چیزی بدان مانده شده باشد، یعنی بدان تشبیه شده باشد

"(میدانی، ۱۹۷۳: ۶)

در تمثیل که گونه ای تشبیه گسترده است، "مشبه" یک حکایت یا داستان است. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۰-۱۲)

در برخی از مثل ها و تمثیل های به کار رفته در کشف المحجوب، می توان وجود تشبیه را احساس کرد.

-ان نفي الذباب بالمكبة أيسر من نفيه بالمذبة: "بازداشتن مگس با سرپوش آسان تر است تا با مگس ران"

هجویری در کشف المحجوب، ابتدا حکایتی را راجع به شخصی به نام ابو علی سیاه مروزی نقل می کند

که در گرمابه به هنگام ستره کردن بر آن می شود تا آلتی را که منبع شهوت است از خود جدا سازد تا از شهوت برهد؛ اما با ندایی که از هاتفی می شنود از این کار بر حذر داشته می شو. (هجویری، ۱۳۸۷:

۳۱۵)هجویری برای ذمّ ابو علی در این تصمیم، این عبارت عربی را ذکر نموده که محمود عابدی، این سخن را "مثل واره" خوانده در توضیح آن می نویسد: "برای کسی که می خواهد خود را از آفات شهوت دور دارد

، این کار با حفظ خود در پناه عفت بسیار آسان تر است از آن که عضو خود را قطع کند. (همان، ۸۱۲: توضیحات عابدی) در واقع، توضیح عابدی مشبه است و عبارت مثل واره مشبه به .

نمونه های دیگر

-چون صبح منتشر شد جمال چراغ نا چیز گشت. (همان: ۴۲۳)

-اذا كان اول الدن دردياً كيف يكون آخره. (همان: ۲۴۳)

استعاره-در اغلب مثل ها، کلیلد واژه های اصلی جنبه ی استعاره ی دارند و همین جنبه ی استعاره ی مثل هاست که قابلیت کاربردشان را در مواقع گوناگون بالا می برد و در واقع این جنبه ،از وجوه مهم و ویژگی های برجسته ی امثال به شمار می آید. وقتی کل مثل ،برای بیان وضعیت یا حادثه ای به کار می رود ،این وضعیت حکم مشبه را دارد و مثلی که برای بیان آن به کار می رود ،مشبه به است که با ذکر مثل ،در واقع مشبه حذف می گردد و مشبه به باقی می ماند و همین امر باعث استعاره شدن آن می

گردد.(رک:ذوالفقاری،۱۳۸۹: ۶۲)

شفیعی کدکنی بر این باور است که استعاره های تمثیلی یا مرکب که شهرت پیدا می کنند،تبدیل به مثل

می گردند.(شفیعی کدکنی،۱۳۵۸: ۱۱۷)

-مَنْ لَمْ يَذُقْ لَمْ يَدْرِ (هجویری،۱۳۸۷: ۶۰۶)

هجویری در کتاب خود،آن جا که از سماع سخن می گوید،آن حالتی را که وارد حق است و باعث گداختن جان سالک می گردد،از رقص مذموم جدا می کند و معتقد است این وارد، قابل بیان کردن نیست و فرد باید خود آن را تجربه کند تا بتواند حال آن را درک کند. او برای بیان این مطلب،از مثل فوق به شکل استعاره ی تمثیلیه و مرکب بهره می گیرد.(رک:همان)

نمونه های دیگر همایش ملی پژوهش های ادبی

-اذا طلع الصّباح بطل المصباح(همان:۴۲۳)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

-وجدتُ في القبا ما طلبتُ في العبا(همان:۲۰۴)

کنایه-ابراهیم نظام،لطافت کنایه را از امتیازات امثال بر شمرده است.(به نقل از بهمنیار،۱۳۸۱: ۱۸) و ابو عبید

قاسم بن سلام،بیان مقصود به شکل کنایه را در مثل لازم دانسته است.(همان:۱۸۰)

نمونه های کنایه در مثل ها

-هر کسی را گریبان خود باید گرفت:کنایه از این که "هر کسی باید خود حساب خود را بکند،هر کسی باید خود را زیر نظر بگیرد و احوال خود را بررسی کند."(هجویری،۱۳۸۷، ۸۹۵ توضیحات عابدی)

-اگر کونین اندر پله ی ترازوی وی نهند پدیدار نیاید.(همان:۲۷)

به کنایه یعنی "از شدت خودخواهی هیچ کس و هیچ چیز را قبول ندارد."(همان، توضیحات عابدی ۶۳۶)

قابل ذکر است که عابدی، این عبارت را هم مثل واره دانسته است.(همان)

ایجاز-در اصطلاح علم معانی، بیان مقصود در کوتاه ترین لفظ و کمترین عبارت است که این امر در سخن اغلب فصحا دیده می شود.ایجاز وقتی پسندیده است که مقصود، با آن الفاظ اندک به طور کامل بیان شود (صادقیان، ۱۳۷۱ : ۱۱۷)

مهمترین ویژگی مثل، ایجاز آن است. میهنی بر کوتاهی و ایجاز مثل تأکید می کند.(میهنی، ۱۹۶۲ : ۳۶) اغلب مثل های به کار رفته در کشف المحجوب دارای این خصیصه است؛ اما برخی از آن ها این گونه نیست.

نمونه های ایجاز

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی
الحق لا یتغیر (هجویری، ۱۳۸۷ : ۶۰۲)

البادی اظلم (همان: ۳۱۳) ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

رسیده، آسوده باشد. (همان: ۳۰۷)

نمونه های اطباب

-کسی را که داروی علت وی حقیرترین چیزها بود، وی را دُر و مرجان نباید تا به شلیثا و دواء المسک آمیزندش.(همان: ۱۲)

-آب تا اندر رود روان باشد روان بود چون به دریا رسد قرار گیرد و چون قرار گرفت طعم بگرداند. (همان: ۵۴۶)

ب- بدیع

سجع: یکی از عواملی که بر موسیقی مثل و در نتیجه سهولت حفظ آن می افزاید، سجع است. ابن سینا می گوید: "کلام اگر برخوردار از سجع و عطف و وزن باشد، به خاطر سپردنی تر خواهد بود" (ابن سینا، ۱۹۵۴: ۲۲۶) در برخی از مثل های به کار رفته در کشف المحجوب، سجع دیده می شود.

-اذا طلع الصباح بطل المصباح. (هجوی، ۱۳۸۷: ۴۲۳)

بین مصباح و صباح: سجع مطرف، بین طلع و بطل: سجع متوازن

-وجدت فی القبا ما طلبت فی العبا

بین قبا و عبا: سجع متوازی، وجدت و طلبت: سجع متوازی

جناس

یکی دیگر از آرایه هایی که در افزایش موسیقی مثل ها مؤثر است، وجود انواع جناس است. بسیاری از مثل های کشف المحجوب دارای جناس است.

-جدّ به جدّ باشد. (همان: ۳۱۵) ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

-راهبَر باش نه راهبُر. (همان: ۱۸۳)

-انس را اُنس جز با جنس نباشد. (همان: ۵۵۱)

بین واژه های "جد و جدّ"، "راهبَر و راهبُر" و "انس و اُنس" جناس ناقص وجود دارد که آن "اختلاف در

مصوت کوتاه دو کلمه ی هم هجا و هم واک است." (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۸)

-مدار مَدَر جز بر کدر نیست. (همان: ۴۶) بین مدار و مدر جناس زاید دیده می شود.

تکرار

تکرار واژه در امثال به قصد تنبیه، تعظیم، تأکید و یا هر قصد دیگری صورت گیرد، همان نقش موسیقایی جناس را ایفا می کند. تکرار ممکن است به صورت تکرار کلمه و یا واج آرایبی و ... باشد. (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۶۶)

نمونه ها

-الجنس مع الجنس (هجویری، ۱۳۸۷: ۱۳۱) تکرار واژه

-دوست از بلای دوست نگریزد. (همان: ۴۵۸) تکرار واژه

-عبارت از محبت نه محبت بود. (همان: ۴۵۳) تکرار واژه

-مدار مدر جز بر کدر نیست و مر بشر را از کدر گذر نیست. (همان: ۴۶) تکرار صامت "ر" و "د"

-دل پراکنده از آفت برآکنده بود. (همان: ۳۰۸) تکرار صامت "د"

مراعات نظیر

-کسی را که داروی علت وی حقیرترین چیزها بود، وی را دَر و مَر جان نباید تا به شلیثا و دواء المسک آمیزندش. (همان: ۱۲)

-یک ذره از کرامات مشایخ سرمه ی مریدان کردند. (همان: ۴۲۶)

تضاد یا طباق

-اندک بر بسیار دلیل باشد. (همان: ۵۳۷)

-هزار فرسنگ به دروغ بروم تا یک قدم در آن صدق باشد. (همان: ۶۰۵)

طرد و عکس

چنان که نزدیک طاقت دوری ندارد، دور طاقت نزدیکی ندارد. (همان: ۶)

تلمیح

چون باز ملک بر دیوار سرای پیرزنی نشیند پر و بالش ببرند. (همان: ۱۲)

این مثل به داستان "یافتن پادشاه، باز را به خانه ی کمپیر زن" اشاره دارد که در دفتر دوم مثنوی مولانا آمده

است. (رک مولوی، دفتر دوم، ۱۳۷۸: ۲۰۳-۲۰۵)



نتیجه گیری

هجویری در موارد متعدد برای تفهیم بهتر مطالب و رساتر کردن آن ها از مثل و مثل واره ها بهره گرفته است. تسلط او بر زبان عربی باعث گردیده، برخی از مثل های مورد استفاده ی او به این زبان باشد؛ اما بسامد مثل های فارسی در کشف المحجوب نسبت به عربی بیشتر است؛ به طوری که از مجموع هفتاد مثل استخراج شده توسط عابدی، تنها بیست عدد آن به عربی است. مثل های کشف المحجوب از نظر ساختار دستوری غالباً جمله ای هستند که این جمله ها برخی ساده و برخی مرکب است.

اکثر امثال در کتاب هجویری مثل های رایج و مشهور هستند که او برای بیان و اثبات مطلب خود به آن ها استشهاد کرده است؛ اما برخی مثل ها نیز هستند که در میان مردم چندان رواج ندارند و به نظر می رسد بیشتر آن ها برساخته ی خود هجویری است. می توان گفت تمام مثل های به کار رفته در کشف المحجوب دارای لحن جدی و معمولی هستند و این بیشتر به سبب شخصیت جدی خود هجویری و ماهیت موضوعی کتاب اوست.

از نظر درون مایه و محتوا، برخی امثال کشف المحجوب جنبه ی آموزشی و برخی جنبه ی اجتماعی دارد. بعضی از آن ها اخلاقی است و بعضی دینی. انواع آرایه های ادبی از قبیل سجع، جناس، تکرار، تضاد و... در مثل ها دیده می شود و کاربرد انواع صور تخیل در مثل و مثل واره ها نمایان است.



انجمن علمی زبان ادبی فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

منابع

ابريشمی، احمد، "فرهنگ نوین"، تهران، انتشارات زیور، ۱۳۷۶

ابن سینا، "الشفاء المنطق، الخطابه"، تصدير و مراجعه الدكتور ابراهيم مدكور، قاهره

بهمنیار، احمد، "داستان نامه ی بهمنیاری"، تهران، دانشگاه تهران: ۱۳۸۱

ذوالفقاری، حسن، "طبقه بندی ضرب المثل های فارسی"، مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۵، بهار، صص ۳۱-۱۳۸۶، ۵۲

ذوالفقاری، حسن، "زیبایی شناسی ضرب المثل های فارسی"، مجله ی بوستان ادب، دوره دوم، شماره دوم، تابستان، صص ۵۱-۱۳۸۹، ۸۲

شفیعی کدکنی، محمد رضا، "صور خیال در شعر فارسی"، تهران، آگاه، ۱۳۵۸

شمیسا، سیروس، "بدیع"، تهران، دانشگاه پیام نور، چ یازدهم، ۱۳۸۰

شمیسا، سیروس، "معانی و بیان"، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۳

صادقیان، محمد علی، "طراز سخن"، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۱

صفا، ذبیح ا...، "تاریخ ادبیات در ایران"، ج ۲، تهران، فردوس، ۱۳۶۷

عفیفی، رحیم، "مثل ها و حکمت ها در آثار شاعران قرن ۳-۱۱"، تهران، سروش، ۱۳۷۱

مولوی، جلال الدین محمد، "مثنوی معنوی"، تصحیح نیکلسون، تهران، نشر محمد، چ پنجم، ۱۳۸۶

میدانی، ابوالفضل، "مجمع الامثال"، به اهتمام محمد محی الدین عبد الحمید، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳

میهنی، محمد بن عبد الخالق، "دستور دبیری"، تصحیح عدنان صادق ارزی، بی جا، بی نا، ۱۹۶۲

هجویری، علی بن عثمان، "کشف المحجوب"، تصحیح محمود عابدی، سروش، چ چهارم، تهران، ۱۳۸۷

همایی، جلال الدین، "معانی و بیان"، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، نشر هما، ۱۳۷۴



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱